

نقش ویژگی‌های شخصیتی در خشم و پرخاشگری

زهرا اعتمادی^{۱*}، سپیده کاظمی^۲، تورج هاشمی^۳، نعیمه ماشینچی عباسی^۴^۱دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی^۲کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تبریز^۳گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز^۴دانشجوی دکتری علوم اعصاب شناختی، دانشگاه تبریز

چکیده

خشم، هیجان منفی بوده که برانگیختگی مکرر آن، می‌تواند فعال‌کننده پرخاشگری باشد. شخصیت در شکل‌گیری و تداوم خشم و پرخاشگری نقش دارد. لذا، هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی خشم و پرخاشگری بود. تعداد ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تبریز به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و از پرسشنامه‌های نئو-فرم کوتاه و پرسشنامه خشم و پرخاشگری پری و باس استفاده شد. نتایج نشان داد که روان‌رنجورخویی و برونگرایی - درونگرایی رابطه‌ی مثبت و انعطاف‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن رابطه منفی با تغییرات خشم و پرخاشگری دارند. افراد دارای انعطاف‌پذیری بالا متمایل به خردورزی و افراد دارای توافق‌پذیری بالا، متمایل به گذشت و مهربانی هستند. وجود خصلت با وجدان بودن موجب خویش‌نهادی و کارآمدی شده و به کاهش رفتارهای پرخاشگرانه منتهی می‌شود.

کلید واژه‌ها: پرخاشگری؛ خشم؛ روان‌رنجورخویی؛ انعطاف‌پذیری؛ توافق‌جویی

مقدمه

خشم از تأثیرگذارترین هیجان‌ها در زندگی انسان بوده و در سال‌های اولیه بروز نموده و معمولاً بعنوان هیجان منفی طبقه‌بندی می‌شود. برانگیختگی آن به صورت مکرر می‌تواند فعال‌کننده رفتار پرخاشگرانه بوده و به سازگاری روان‌شناختی و سلامت فردی آسیب رساند (حسن زاده، ۱۳۸۸). صاحب‌نظران معتقدند که پرخاشگری هیجان نبوده بلکه از آثار حالت هیجانی خشم است و برای فرونشاندن آن رخ می‌دهد. در این راستا، سازمان جهانی بهداشت بیان می‌دارد که پرخاشگری استفاده‌ی عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی، ارعاب یا تهدید بر خود یا دیگری است که علیه یک گروه یا جامعه صورت گرفته و به آسیب جسمی یا روانی و سوء رشد یا محرومیت منجر می‌گردد (سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۱؛ به نقل از بشیری خطیبی، ۱۳۹۲).

هرچند خشم و پرخاشگری یکی دانسته می‌شود، با این حال، تفاوت‌هایی با هم داشته و هر یک دارای ویژگی‌های مشخصی هستند که آنها را از هم جدا می‌کند (اولویس، ۱۹۹۹؛ به نقل از گوکلر، ۲۰۰۹). در واقع، پرخاشگری با هدف آزار رساندن به دیگران، حسادت و نفرت و رفتار ویران‌کننده همراه است (آبای و توگلا، ۲۰۰۰). شواهد تجربی زیادی آثار مخرب خشم را در روابط انسانی نشان داده‌اند همچنین اشکال مختلف پرخاشگری در طول زمان بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی اجتماعی فرد در آینده اثر می‌گذارد (کوپ و لاندبرگ، ۱۹۹۲). در این راستا، کاراتاس (۲۰۰۸) در پژوهش خود نشان داد که بین خشم و پرخاشگری رابطه مثبت وجود دارد. به نحوی که با افزایش خشم، پرخاشگری نیز افزایش می‌یابد. گروهی از صاحب‌نظران پرخاشگری را ریشه در ذات و فطرت انسان (اکبری، ۱۳۸۵) و عده‌ای دیگر بر اهمیت یادگیری رفتار پرخاشگرانه از الگوها تأکید دارند (کریمی، ۱۳۸۲). با این حال، پرخاشگری از عوامل مختلفی از جمله محیط زندگی (نساجی زواره، ۱۳۸۵)، تعارض‌های خانوادگی (کالاماری و پینی، ۲۰۰۳)، تشویق رفتار پرخاشگرانه و تماشای خشونت ناشی می‌شود (اکبری، ۱۳۸۵). از طرفی، یکی از مهم‌ترین عوامل فردی بروز پرخاشگری در افراد، ویژگی‌ها و خصوصیات شخصیتی است، به نحوی که برخی عامل‌های شخصیتی در تسهیل بروز خشم و پرخاشگری، نقش غیرقابل انکاری ایفا می‌کنند.

مک کری و جان (۱۹۹۲) شخصیت را در راستای پنج عامل اصلی، شامل روان‌رنجورخویی، برونگرایی، گشودگی در برابر تجربه، توافق‌پذیری و باوجدان بودن توصیف می‌کنند. در این دیدگاه، روان‌رنجورخویی به تمایل برای تجربه اضطراب، تنش، خودمحوری، خصومت، تکانشگری، کمرویی، تفکر غیرمنطقی، افسردگی اطلاق می‌شود؛ برونگرایی، تمایل برای مثبت بودن، قاطعیت، گفته می‌شود؛ گشودگی در برابر تجربه، تمایل به کنجکاوی، هنرنمایی، خردورزی، انعطاف‌پذیری اطلاق می‌شود؛ توافق‌پذیری، تمایل برای گذشت، مهربانی، سخاوتمندی، اعتماددورزی، همدلی فرمانبرداری، فداکاری (سارافینو، ۱۳۸۵) در نظر گرفته می‌شود و در نهایت، با وجدان بودن بعنوان تمایل به سازماندهی، کارآمدی، قابلیت اعتماد، خوشتنداری و منطق‌گرایی قلمداد می‌شود (جان، ۱۹۸۹؛ به نقل از ارجی و همکاران، ۱۳۸۷). پژوهش‌ها در مورد ویژگی‌های شخصیتی نشان می‌دهند که روان‌رنجورها، دارای احساس گناهکاری زیاد (دیوید و سالس، ۱۹۹۹) احساس بیقراری، عدم تصمیم‌گیری، افکار خودکشی (مک کری و کاستا، ۱۹۸۶) و مشکلات روانی و افسردگی (آبرامز و همکاران، ۱۹۹۱) هستند. در زمینه ارتباط ابعاد شخصیتی "پنج عامل بزرگ" و پرخاشگری تحقیقات متناقضی وجود دارد. در این راستا، تحقیقات حاکی از آن است که بین روان‌رنجورخویی و پرخاشگری رابطه وجود دارد (سکرتکین، ۲۰۰۳) و برخی تحقیقات این یافته را تأیید کرده‌اند (ییلماز، ۱۹۹۶؛ اسلو، ۱۹۹۹). از طرفی، شعبانی‌بهار و همکاران (۱۳۸۵) در بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و میزان پرخاشگری در ورزشکاران مرد نشان دادند بین برونگرایی و پرخاشگری رابطه مثبت وجود دارد. در مقابل، نتایج پژوهش حسینی (۱۳۷۸) نشان داد که بین برونگرایی و خشم رابطه معنی‌دار وجود ندارد. نتایج تحقیقات ساجیکو (۲۰۰۲) نیز نشان داد که همبستگی مثبتی بین ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجورخویی و برونگرایی با میزان پرخاشگری و همبستگی منفی بین با وجدان بودن، توافق‌پذیری و

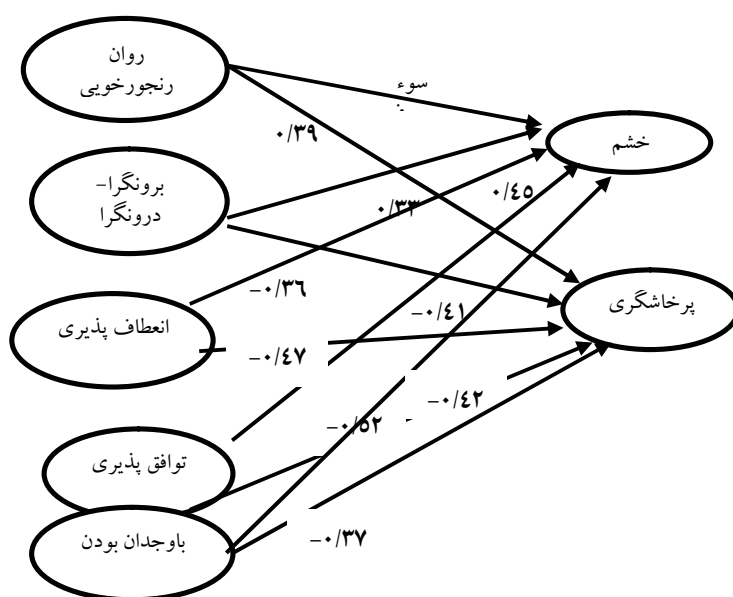
* e-mail: Etemadi_zcp@yahoo.com

نقش ویژگی‌های شخصیتی در خشم و پرخاشگری

جدول ۱

شاخص‌های توصیفی و ضرایب کواریانس متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خشم	۱۷/۹۳	۳/۱۹	۲/۶۱	-	-	-	-	-	-
پرخاشگری	۲۰/۱۳	۴/۷۱	۰/۵۷	۲/۱۴	-	-	-	-	-
روان رنجورخوبی	۳۹/۱۳	۵/۹۲	۰/۴۱	۰/۴۵	۳/۱۷	-	-	-	-
برون گزایی-درون گزایی	۲۱/۳۶	۵/۱۷	۰/۳۹	۰/۳۳	-۰/۳۱	۲/۷۱	-	-	-
انعطاف پذیری	۲۰/۴۱	۴/۸۹	-۰/۳۶	-۰/۴۱	-۰/۳۹	-۰/۲۸	۲/۵۱	-	-
توافق پذیری	۲۴/۱۷	۵/۶۶	-۰/۴۷	-۰/۵۲	-۰/۳۵	-۰/۲۵	-۰/۳۳	۲/۱۱	-
باوجدان بودن	۲۳/۹۱	۵/۳۱	-۰/۴۲	-۰/۳۷	-۰/۱۷	-۰/۱۴	-۰/۲۸	-۰/۳۲	۳/۱۶



شکل ۱. مدل مسیرهای علی- ساختاری متغیرهای مورد مطالعه

مندرجات مدل روابط ساختاری نشان می‌دهد که:الف) روان رنجورخوبی نقش مثبت و معنی‌دار در تغییرات خشم ($B=0/41$) و پرخاشگری ($B=0/45$) دارد. ب) برون-گرای-درون گزایی‌نقش مثبت و معنی‌دار در تغییرات خشم ($B=0/39$) و پرخاشگری ($B=0/33$) دارد. ج) انعطاف‌پذیری، نقش منفی و معنی‌دار در تغییرات خشم ($B=-0/36$) و پرخاشگری ($B=-0/41$) دارد. د) توافق‌پذیری نقش منفی و معنی‌دار در تغییرات خشم ($B=-0/47$) و پرخاشگری ($B=-0/52$) دارد. ز) باوجدان بودن نقش منفی و معنی‌دار در تغییرات خشم ($B=-0/42$) و پرخاشگری ($B=-0/37$) دارد.

مندرجات شکل فوق نشان می‌دهد که روابط پنج عامل شخصیت با خشم و پرخاشگری معنی‌دار بوده و مدل نظری با مدل اندازه‌گیری برازش مطلوب دارد چرا که الف) مقدار خطای برآورد استاندارد (RMSEA) در حد مطلوب قرار دارد. ب) نسبت χ^2/df در حد مطلوب قرار دارد. ج) مقدار شاخص نیکویی برازش و شاخص نیکویی برازش اصلاح شده در حد مطلوب واقع شده است. د) مقدار شاخص برازش تطبیقی و شاخص برازش هنجار شده نیز در حد مطلوب قرار دارد

جدول ۲

شاخص‌های مدل اندازه‌گیری شده

RMSEA	χ^2	df	χ^2/df	GFI	AGFI	CFI	NFI	P
۰/۰۴	۱۹۷۵	۴۹۳	۴/۰۰۶	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۰۰۱

بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش ابعاد پنج‌گانه شخصیت در خشم و پرخاشگری صورت گرفت. نتایج حاکی از این است. نتایج نشان داد که روان رنجورخوبی و برون-گرای-درون گزایی‌نقش مثبت در تغییرات خشم و پرخاشگری داشته و انعطاف‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن نقش منفی در تغییرات خشم و پرخاشگری دارند.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان داشت که برخی از پژوهشگران معتقدند که خصومت، خشم و پرخاشگری می‌تواند در یک ساختار چندبعدی به عنوان مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری ظهور یافته و در موقعیت‌های بین‌فردی اثرات منفی بر جای گذارده و یا اینکه فرد را در معرض آسیب‌های جدی در سیستم‌های بدنی و روان‌شناختی قرار دهند. در این راستا، بعد عاطفیکه متشکل از هیجانات خشم و نفرتو بعد شناختی که شامل افکار منفی در مورد طبیعت انسان، رنجش، بدگمانی و بی‌اعتمادی و بعد رفتاری که به شکل مختلف پرخاشگری فیزیکی و یا کلامی ظهور می‌کنند، پیامدهای برشمرده را به همراه دارند (باسو پری، ۱۹۹۲).

به اعتقاد کامینز (۲۰۰۶) خشم نوع خاصی از خصومت بوده که با احساس قدرت همراه است، در حالیکه خصومت یک پاسخ شایع از طرف فرد، در قبال عدم تأیید است. باس و پری (۱۹۹۲) معتقدند خشم پلی بین هر دو نوع پرخاشگری فیزیکی و کلامی و خصومت‌یافتی نقش می‌کند.

توضیح اینکه، باس خصومت را نگرشی می‌داند که در بردارنده ارزیابی منفی و نفرت‌آمیز از اطرافیان است. در تعریفی دیگر، احساسات همراه با خصومت به مجموعه پیچیده‌ای از احساسات و نگرش‌ها گفته می‌شود که سبب ایجاد رفتارهای پرخاشگرانه و توأم با کینه‌ورزی می‌شود. لذا، خصومت‌ورزی بعنوان یک استعداد نگرش به سمت ارزیابی منفی قلمداد می‌شود که می‌تواند به نوبه خود باعث تغذیه احساسات خشم‌آلود و رفتار پرخاشگرانه در موقعیت‌ها شود (اسپیلبرس، ۱۹۹۸؛ به نقل از کمالی، ۱۳۸۶).

در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان داشت که روان‌رنجورخویی، تمایل برای تجربه تنش، خصومت و تکانشگری بوده و برون‌گرایی، تمایل به قاطعیت است. افراد حائز انعطاف‌پذیری بالا متمایل به خردورزی بوده و افراد حائز ویژگی توافق‌پذیری بالا، متمایل به گذشت، مهربانی و فرمانبرداری هستند. از سویی، وجود خصلت باوجدان بودن در فرد موجب خویش‌داری، منطقی‌گرایی و کارآمدی شده و در مجموع، باعث کاهش پرخاشگری و آزاررسانی به دیگران می‌شوند. مبتنی بر یافته‌ها می‌توان استنباط نمود که ویژگی‌های شخصیتی قادرند میزان پرخاشگری افراد را پیش‌بینی کنند.

از سویی، به دلیل اینکه شخصیت‌های انعطاف‌پذیر، زمینه‌های کنترل تعارضات و ستیز بین‌فردی را با خود به همراه دارند، لذا در این گونه موقعیت‌ها چندان مشارکت نمی‌کنند. از طرفی، از نظر آنتونی (۱۹۹۸) و بونو و همکاران (۲۰۰۲). ویژگی دلپذیر بودن بعنوان یک عامل بازدارنده در بروز رفتارهای پرخاشگرانه عمل می‌کند.

علاوه بر این، پژوهش‌ها در مورد ویژگی‌های شخصیتی نشان می‌دهند که روان‌رنجورها، دارای احساس گناهکاری زیاد (دیوید و سالس، ۱۹۹۹) احساس بیقراری، عدم تصمیم‌گیری، افکار خودکشی (مک کری و کاستا، ۱۹۸۶) و مشکلات روانی و افسردگی (آبرامز و همکاران، ۱۹۹۱) بوده و این عوامل زمینه‌ساز بروز رفتارهای پرخاشگرانه و احساسات خشم‌آمیز را مهیا می‌کنند.

پژوهش حاضر، تنها در دانشجویان و گروه سنی ۳۰-۱۹ ساله انجام شده است. لذا، از لحاظ تممیم به سایر کلاس‌ها و سایر مقاطع سنی و تحصیلی محدودیت دارد. بنابراین توصیه می‌شود این پژوهش در سایر جوامع و با دامنه سنی گسترده‌تر و روی سایر گروه‌های کودکان و نوجوانان اجرا گردد تا نتایج آن بیشتر قابل تعمیم باشد.

منابع

- حسینی، سیدمهران (۱۳۷۸). *رابطه هیجان‌خواهی، برون‌گرایی و خشم در نوجوانان پسر بزهکار و عادی شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده. دانشکده علوم تربیتی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- سامانی، حمیدرضا (۱۳۸۶). بررسی پایایی و روایی پرسشنامه پرخاشگری باس و پری. *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۳، ۳۵۹-۳۶۵.
- شعبانی بهار، غلامرضا؛ عرفانی، نصراله و هادی پور، مجتبی (۱۳۸۵). مقایسه و بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و میزان پرخاشگری در ورزشکاران مرد رشته‌های منتخب ورزشی شهرستان همدان. *مجله پژوهش در علوم ورزشی*، ۴، ۹۹-۱۱۲.
- هرمزی‌نژاد، معصومه (۱۳۸۰). *رابطه ساده و چندگانه متغیرهای عزت نفس، اضطراب اجتماعی و کمال‌گرایی با ابراز وجود دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده. دانشگاه شهیدچمران اهواز.
- Abrams, R. C., Young, R. C., Alexopoulos, G. S., & Holt, J. H. (1991). Neuroticism may be associated with history of depression in the elderly. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 6(7), 483-488.
- Bono, J. E., Boles, T. L., Judge, T. A., & Lauver, K. J. (2002). The role of personality in task and relationship conflict. *Journal of Personality*, 70(3), 1311-1344.
- Calamari, E., & Pini, M. (2003). Dissociative experiences and anger proneness in late adolescent females with different attachment styles. *Journal of Adolescence*, 38, 287-288.
- Koop, C. E., & Lundberg, G. D. (1992). Violence in America: A public health emergency. *Journal of American Medical Association*, 267, 3075-3076.
- McCrae, R. R., & John, O. P. (1992). An introduction to the five-factor model and its applications. *Journal of Personality*, 60, 175-215.
- Ozdemir, Y., Vazsonyi, A. T., & Cok, F. (2012). Parenting processes and aggression: the role of self-control among Turkish adolescents. *Journal of Adolescence*, 36(1), 65-77.